

رواج تنباکو در قلمرو بابریان

جمشید نوروزی*

چکیده

این نوشتار به بررسی رواج تنباکو در قلمرو تیموریان هند می‌پردازد. در این مقاله، با اتکا به اطلاعات موجود در منابع تاریخی و با رویکردی توصیفی - تشریحی، چگونگی مواجهه چند شاه مقتدر این سلسله با مسئله رواج تنباکو مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مقاله این پرسش اساسی را مورد توجه قرار می‌دهد که رواج تنباکو در قلمرو تیموریان هند، چه موقع و تحت تأثیر چه عواملی انجام گرفت؟ در این نوشتار نشان داده شده که رواج مصرف تنباکو در شمال شبه قاره هند، از اواخر حکومت اکبرشاه تیموری آغاز شد و در زمان شاهان بعدی شتاب گرفت. همچنین تأثیرپذیری رویه رواج تنباکو از ارتباطات خارجی هند و عملکرد شاهان تیموری و شخصیت‌های متنفذ آنها مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تنباکو، اکبرشاه، اسدیگ قزوینی، بیجاپور.

مقدمه

تنباکو از گیاهان بومی قاره آمریکا به‌شمار می‌رود که مدت‌ها در مناطقی چون مکزیک، برزیل و اطراف رود میسی‌سی‌پی کشت می‌شد. زمانی که کریستف کلمب به کشف آمریکا نائل شد (۱۴۹۲م/ق/۱۴۹۲م)، گروهی از آمریکائیان برای کشیدن تنباکو برگ‌های خشک‌شده آن را در ابزاری به نام «پیپ» قرار دادند و یا به درست‌کردن سیگارهای نامرغوب و پیچیده شده لوله‌ای پرداختند. همچنین بعضی تنباکو را می‌جویدند و یا گرد توتون را از طریق بینی استنشاق می‌کردند. بومیان آمریکا افزون بر استفاده تنباکو در جشن‌ها، آن را مانند گیاهی دارویی و با ارزش پزشکی و خواص درمانی استفاده می‌کردند.

* عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور Njamshid1346@gmail.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۱۳، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۱۵

اروپائیان پس از آشنایابی با تنباکو مردم دیگر قاره‌های کره زمین را نیز با آن آشنا کردند. ابتدا دریانوردان اسپانیایی و پرتغالی که در حدود ۹۵۷ ق/ ۱۵۵۰م از آمریکا باز می‌گشتند، محصول تنباکو را به اروپا بردند. بذر تنباکوی آمریکائی که ابتدا به‌عنوان گیاهی دارای خواص داروئی و درمانی مطرح شد، در حدود سال‌های ۹۶۷ و ۹۶۹ ق/ ۱۵۵۹ و ۱۵۶۱م به اسپانیا و روم برده و کشت شد. آشنایی فرانسوی‌ها با بذر تنباکو، به‌سال ۹۶۸ ق/ ۱۵۶۰م برمی‌گردد که سفیر فرانسه در پرتغال آن را برای پادشاه کشورش فرستاد. تنباکو نخستین بار در سال ۹۷۳ ق/ ۱۵۶۵م و توسط دریانوردی انگلیسی از آمریکا به انگلستان برده شد. در سال‌های ۹۹۴ - ۹۹۵ ق/ ۱۵۸۵ - ۱۵۸۶م فرمانده دریایی و مدیر مستعمراتی انگلستان تنباکو و پیپ آمریکائی را به کشورش برد و اینگونه «پیپ‌کشیدن» به انگلیسی‌ها و سپس مابقی اروپائیان شناسانده شد.

تا حدود سال ۱۰۱۹ ق/ ۱۶۱۰م، محصول تنباکو به کشورهای آلمان، روسیه، ساحل غربی آفریقا، ژاپن، فیلیپین، چین، عثمانی و ایران نیز راه پیدا کرد. فاصله زمانی کوتاهی بین ورود محصول تنباکو به این کشورها تا شروع کاشت بذر تنباکو در این ممالک بود. پرتغال کشوری فعال در امر انتقال محصول یا بذر تنباکو به دیگر سرزمین‌ها بود که در آن روزگار قلمرو استعماری خود را در مناطق مختلف جهان بسط می‌داد. با این حال، تا حدود سال ۱۰۲۱ ق/ ۱۶۱۲م، هنوز مصرف تنباکو از سوی عموم مردم جهان پذیرفته نشده بود. حتی بعضی شاهان و متولیان مذهبی انگلستان، عثمانی و روسیه برای ممنوعیت مصرف تنباکو و رواج آن تلاش‌هایی کردند. با گذر زمان، ناکامی این ممانعت‌ها و سخت‌گیری‌ها آشکار شد و مصرف تنباکو به صورت چپق و قلیان در دربار برخی شاهان رواج یافت.

تنباکو در عرصه تجارت و بازرگانی، از سال ۱۰۲۱ ق/ ۱۶۱۲م و عمدتاً در مستعمرات اروپائیان در آمریکا و دیگر مناطق اهمیت یافت. تا سال ۱۰۲۹ ق/ ۱۶۱۹م صادرات تنباکو به کشورهای اروپایی چون انگلستان، به‌نحو چشمگیری افزایش یافت. سود تنباکو در سال ۱۰۳۱ ق/ ۱۶۲۱م، آن‌قدر زیاد شد که بر تولید محصولات مختلف کشاورزی تأثیر قابل توجهی گذاشت؛ به‌گونه‌ای که بعضی پادشاهان با وضع محدودیت‌هایی علیه کاشت تنباکو، تلاش کردند، اقدامی در جهت کاهش وسعت مزارع تنباکو و توسعه مزارع محصولات غذایی انجام دهند. در این ایام، به‌واسطه کمبود پول، تنباکو به یکی از ابزارهای واسطه‌ای مبادله پول تبدیل شد. حتی تنباکو برای پرداخت مالیات، قروض و حقوق کارکنان و نظامیان استفاده شد.^۱

راوی اصلی رواج تنباکو در قلمرو بابرین

دربارهٔ زمان و چگونگی ورود تنباکو به شبه قارهٔ هند و آغاز کاشت بذر تنباکو در این سرزمین، اطلاعات کافی در دست نیست. با این حال، گفته شده که فرنگی‌ها تنباکو را به سواحل جنوب هند و ناحیهٔ دکن آوردند و از آنجا به شمال هند منتقل کردند. (محمد پادشاه، ۱۳۶۳: ج ۲/۱۱۹۴) برخی محققان (نک: Nath, 2008, 12; Prasad, 1931, 752; Vincent, 1917, 407) آغاز رواج مصرف تنباکو در قلمرو بابرین (مغولان هند/ تیموریان هند) را به سال‌های آخر حکومت اکبرشاه گورکانی (۹۶۳ - ۱۰۱۴ق/ ۱۵۵۶ - ۱۶۰۵م) مربوط می‌دانند. مأخذ اصلی دربارهٔ رواج تنباکو در قلمرو اکبرشاه، خاطرات چاپ نشدهٔ اسدبیگ قزوینی است که نسخه‌های خطی آن با عناوین *حالات اسدبیگ*، *احوال اسدبیگ*، *وقایع اسدبیگ* و *تاریخ اسدبیگ* در برخی موزه‌ها و کتابخانه‌های جهان مانند کتابخانهٔ مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره در هند موجود است. (آفتاب اصغر، ۱۳۶۴: ۲۸۰؛ نذیر احمد و اقبال مجلّدی، ۱۳۸۴: ۳۸۹؛ برزگر، ۱۳۷۵: ۱۹۱؛ Rieu, 1966, v.3, 979) باتوجه به این که اسدبیگ از نخستین مروجان تنباکو به شمار می‌رود، پیش از بررسی مندرجات اثر او^۲ به اختصار به شرح حال او پرداخته می‌شود.

اسدبیگ در حدود ۹۶۵ق/ ۱۵۵۸م در یکی از خانواده‌های معروف شهر قزوین به دنیا آمد. (نذیر احمد و اقبال مجلّدی، ۱۳۸۴: ۳۸۹) پدرش، *خواجه محمدمراد بیگ* یا *محمّد بیگ*، از افراد معتبر قزوین (اسدبیگ، بی‌تا: ۱۹) و احتمالاً از مأموران دیوانی حکومت صفویّه بود. اسدبیگ پس از سپری کردن تحصیلات معمول و تبحر در خوش‌نویسی، در حدود سال ۹۸۵ق/ ۱۵۷۷م به «منشیگری و دواتداری» وزیر خراسان (خواجه‌افضل اصفهانی) منصوب شد. (نذیر احمد و اقبال مجلّدی، ۱۳۸۴: ۳۸۹؛ گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۵) پس از اتمام وزارت *خواجه‌افضل*، اسدبیگ در حدود سال ۹۹۴ق/ ۱۵۸۶م راهی هند شد تا شغل مناسبی در حکومت بابرین به دست آورد. (اسدبیگ، بی‌تا: ۱۹؛ برزگر ۱۳۷۵: ۱۹۱) او چند سال دستیار مورخ و مشاور متنفذ اکبرشاه یعنی *ابوالفضل علّامی* بود. همراهی مستمر او با علّامی (اسدبیگ، بی‌تا: ۱۹، ۲۱، ۳۹، ۴۴ و ۱۲۸) او را به «اسد ابوالفضلی» مشهور کرد. (اوحدی، ۱۳۸۸: ج ۱/ ۵۷۹)

سرانجام، همنشینی طولانی این دو، در ربیع‌الاول ۱۰۱۱ق/ ۱۶۰۲م در پی قتل علّامی توسط گماشتگان شاهزاده سلیم (جهانگیرشاه) پسر اکبرشاه، به اتمام رسید. (اسدبیگ، بی‌تا: ۲؛ نذیر احمد و اقبال مجلّدی، ۱۳۸۴: ۳۸۹) پیش از وقوع این حادثه، اسدبیگ برای

اداره جاگیر علمای عازم صوبه مالوه شده بود (اسدیگ، بی تا: ۲- ۶، ۱۶- ۱۷) اما، رفع سوءظن اکبرشاه و توجیه بی گناهی اسدیگ آسان نبود. در این موقعیت حساس، جعفرخان قزوینی، وزیر دیوان اعلی، برای سفر اسدیگ به دارالخلافه آگرا و پاسخ گویی به ابهامات قتل علمای رضایت شاه را کسب کرد. سرانجام با توضیحات اسدیگ و میانجی گری تعدادی از منصب داران ایرانی و غیرایرانی دربار، شاه متوجه بی گناهی اسدیگ شد و موافقت کرد که او به کارش در دربار ادامه دهد. (اسدیگ، بی تا: ۱۰- ۲۱) پس از مدتی، به مشارکت در مسئولیت اتالیقی شاهزاده پرویز و سپس به سمت «تحویلداری پیشکش های شاه» منصوب شد. (اسدیگ، بی تا: ۲۳- ۲۶، ۳۳- ۳۴).

در حدود نیمه سال ۱۰۱۲ق/۱۶۰۳م، به عنوان سفیر مخصوص اکبرشاه راهی دربار عادلشاهیان (حک: ۸۹۴- ۱۰۹۶ق/۱۴۸۹- ۱۶۸۵م) در ولایت بیجاپور دکن شد تا ازدواج فرزند شاه (شاهزاده دانیال) با دختر ابراهیم عادلشاه را نهایی کند. اسدیگ با پیگیری جدی این مأموریت (اسدیگ، بی تا، ۳۴- ۳۶، ۴۶- ۴۸، ۵۳- ۵۴، ۷۸- ۷۹، ۹۵- ۹۷)، توانمندی و اخلاصش را به اثبات رساند و توجه بیشتر شاه را کسب کرد. بعد از بازگشت به دربار، در ربیع الثانی ۱۰۱۳ق/۱۶۰۴م و تقدیم هدایای نادر به اکبرشاه، علاوه بر ارتقای منصب،^۳ در فاصله زمانی کوتاه به سمت های «امور خوابگاه شاه» و «رساندن تقاضاهای امرا و مردم به شاه» منصوب شد. (اسدیگ، بی تا: ۸۵- ۸۶، ۸۹- ۹۷) اسدیگ در اوایل سال ۱۰۱۴ق/۱۶۰۵م، بار دیگر به عنوان سفیر مخصوص اکبرشاه، عازم دکن شد تا ضمن پیگیری تعهدات حکام گلگنده، بیجاپور، بیدر و کرناتک به جست و جوی فیل، جواهر و دیگر اشیاء نفیس و مورد علاقه شاه پردازد. (اسدیگ، بی تا: ۹۵- ۱۰۱، ۱۲۸) عنایت شاه به اسدیگ در هنگام اعزام به این مأموریت، آن قدر بود که علاوه بر بخشیدن برخی از هدایا به او، برگه های سفیدی که منقش به مهر پادشاهی بود در اختیار او گذاشت تا با افراد معتبر مناطق مسیر سفر مکاتبه کند. (اسدیگ، بی تا: ۹۹- ۱۰۱)

در پی درگذشت اکبرشاه در جمادی الثانی ۱۰۱۴ق/۱۶۰۵م و تغییر اوضاع سیاسی و نظامی هند، مشکلات متعددی برای اسدیگ پدید آمد و او مجبور شد مأموریت خود را نیمه تمام گذارد و به صوبه دار ایرانی تبار دکن، عبدالرحیم بهارلو مخاطب به خانخانان، پناه برد. (اسدیگ، بی تا: ۸- ۱۱، ۱۰۶- ۱۱۳، ۱۲۰- ۱۲۴) در این شرایط، جهانگیرشاه (حک: ۱۰۱۴- ۱۰۳۷ق/۱۶۰۵- ۱۶۲۷م) که هنوز کینه ابوالفضل علمای و دوستان او را به دل داشت، مأموریت اسدیگ را لغو کرد و او را به دربار فراخواند. در شرایطی که بار دیگر جان

اسدیگ به خطر افتاده بود، با وساطت و کیل السلطنه ایرانی جهانگیرشاه، شریف‌خان شیرازی مخاطب به «امیرالامرا»، خشم شاه را به عفو تبدیل شد (اسدیگ، بی تا: ۱۲۲-۱۲۶) و او لقب «پیشروخان» گرفت و در دربار مشغول به کار شد. (نذیراحمد و اقبال مجددی، ۱۳۸۴: ۳۸۹) در سال ۱۰۲۶ق/۱۶۱۷م، به بخشیدگی صوبه کابل منصوب شد. (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۶) بعد از مدتی، مجدداً به خدمت در دربار جهانگیر بازگشت. (اوحدی، ۱۳۸۸: ج ۱/۵۷۹) زمان مرگ او را ۱۰۳۰ق/۱۶۲۱م (برزگر، ۱۳۷۵: ۱۹۱؛ نذیراحمد و اقبال مجددی، ۱۳۸۴: ۳۸۹) و ۱۰۴۱ق/۱۶۳۱م (حارثی، ۲۰۰۳: ۲۱۰) ذکر کرده‌اند.

تاریخ اسدیگ که عمدتاً به بیان بخشی از سرگذشت و مسئولیت‌های نویسنده پرداخته، با قتل ابوالفضل عکامی در سال چهل و هشتم حکومت اکبرشاه (۱۰۱۱ق/۱۶۰۲م) آغاز و با شرح برخی وقایع سال دوم حکومت جهانگیرشاه (۱۰۱۵ق/۱۶۰۶م) خاتمه یافته است. شرح مأموریت اسدیگ به بیجاپور یکی از موضوعات مهم در این منبع است که حدود نیمی از حجم این اثر را به خود اختصاص داده است. (اسدیگ، بی تا: ۳۳-۹۵) نویسنده ضمن بیان جزئیات مأموریتش، به مصرف تنباکو در دکن و انتقال آن به شمال هند پرداخته است. به روایت اسدیگ (بی تا: ۸۹) هنگام حضورش در بیجاپور (نیمه سال ۱۰۱۲ق/۱۶۰۳م) مصرف تنباکو در این ولایت شایع بود. اما، برخی از محققان (Nath, 2008, 122; Vincent, 1917, 407; Chopra, 1975, 42) ضمن نقل ادعای اسدیگ، ورود تنباکو به دکن و بیجاپور را به پرتهالی‌ها نسبت می‌دهند.

اسدیگ که پیش از سفر بیجاپور، حدود هجده سال در هند زندگی کرده و با برخی درباریان و شخصیت‌های متمول و مقتدر مرتبط بود، با صراحت و تأکید اظهار داشته (بی تا: ۸۹) که تا آن هنگام (۱۰۱۲ق/۱۶۰۳م) تنباکو در هند ندیده است. روایت اسدیگ (بی تا: ۸۹-۹۰) بیانگر آن است که مصرف تنباکو در بیجاپور آن قدر قدمت داشته که شماری از صنعتگران آن سرزمین در ساخت وسایل مختلف قلیان چون «چلم» تزئینی مطلقاً و جواهرکوب گران قیمت، غلاف نقره‌ای و مخملی خوش‌رنگ برای «نی»، و مرصع و میناکاری دو سر نی تبهر یافته بودند. بنابر نوشته او (بی تا: ۹۰) استفاده از نی‌های پخته و خوش‌رنگ مورد توجه بود که بعضاً سه گز طول داشتند. افزون بر این، در محل نی قلیان که در دهن می‌گذاشتند، ابزاری تزئینی نصب می‌شد. این ابزار به شکل‌هایی چون سر بلبل، و از عقیق یمنی «خوش‌قماش» ساخته می‌شد که احتمالاً بیشتر مورد استفاده افراد متمول بود. مخزن برخی از این قلیان‌ها، نوعی دبه طلائی بود. بنابر اظهار اسدیگ (بی تا: ۹۰) برای روشن کردن این قلیان‌ها از شمع یا

فتیله‌سوز طلائی استفاده می‌کردند. /اسدبیگ از مرغوبیت تنباکوی اعلی موجود در بیجاپور نیز سخن به میان آورده و روایت کرده که با آتش گرفتن یک برگ آن، همه تنباکو می‌سوخت.

مدارای اکبرشاه با رواج تنباکو

آنچه در تاریخ /اسدبیگ پیرامون ورود تنباکو و قلیان به دربار اکبرشاه آمده، گذشته از آشکارسازی موضع شاه نسبت به این محصول وارداتی، غریب‌بودن تنباکو در شمال هند را نیز تأیید می‌کند. به نوشته /اسدبیگ، او پس از بازگشت از سفر بیجاپور در کنار سایر هدایا، یک دست قلیان شیک و گران قیمت به همراه کمی تنباکو داخل یک «خوان» گذاشت و به اکبرشاه تقدیم کرد. این اقدام در حضور تعدادی از شخصیت‌ها و درباریان عالی‌رتبه در مجلس شاه انجام شد. /اسدبیگ با شرح دقیق عکس‌العمل اکبرشاه و برخی افراد حاضر در مجلس، اطلاعات ارزشمندی درباره اندیشه شاه و درباریان ارائه می‌کند. به نوشته /اسدبیگ (بی تا: ۹۰) شاه از دیدن تنباکو و قلیان متعجب شد و به پرسش درباره چستی و فایده آن پرداخت. نحوه سؤال کردن اکبرشاه، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که پیشتر شاه قلیان و تنباکو را ندیده بود.

در پی برخورد متعجبانه شاه و پرسش‌های کنجکاوانه او، میرزا عزیز کولکناش ملقب به «خان اعظم»، برادر رضاعی اکبرشاه و از شخصیت‌های مقتدر آن روزگار، به شاه یادآوری کرد که هدیه /اسدبیگ همان تنباکو است که از مدتی پیش در مکه و مدینه رواج یافته است. (اسدبیگ، بی تا: ۹۰) خان اعظم، میرزا عزیز کوهکه، که خود در ۱۰۰۲/ق/۱۵۹۴م به سفر حج رفته بود و پس از چند ماه اقامت در مکه در ۱۰۰۳/ق/۱۵۹۵م به هند بازگشته بود (علمی، ۱۸۸۶: ج ۳/۶۷۱)، به اکبرشاه یادآوری کرد که پیشتر یکی دیگر از درباریان تنباکو را پیشکش شاه کرده است. به گفته خان اعظم، ابتدا حکیم علی عین‌الملک شیرازی متخلص به «دوائی» تنباکو را برای اکبرشاه سوغات آورده، ولی شاه عنایتی به این هدیه نکرده بود. (اسدبیگ، بی تا: ۹۰) تاریخ دقیق تقدیم تنباکو توسط این شاعر، پزشک و منصب‌دار مهاجر ایرانی مشخص نیست، با این حال، زمان وقوع این امر پیش از مرگ حکیم دوائی در ذیحجه ۱۰۰۳/ق/۱۵۹۵م (علمی، ۱۸۸۶: ج ۳/۶۷۱؛ بدائونی، ۱۳۷۹: ج ۳/۱۵۹، ۱۱۳) بود. با توجه به سکوت شاه برابر اظهارات خان اعظم باید پذیرفت که عین‌الملک شیرازی پیش از /اسدبیگ قزوینی برای رواج تنباکو در شمال هند اقدام کرده، ولی موفقیتی به دست نیاورد. به روایت اسدبیگ (بی تا: ۹۰ - ۹۱) اکبرشاه از دیدن پیشکش قلیان و تنباکو خوشوقت شد و از او خواست که قلیان را روشن کند و بیاورد. با آماده‌شدن شاه برای کشیدن قلیان،

حکیم‌علی‌گیلانی که از پزشکان معتبر دربار بود، سعی کرد که اکبرشاه را از کشیدن قلیان بازدارد. با این حال، شاه اظهار داشت که به خاطر اسدیگ، اندکی خواهد کشید. بعد از این که شاه سر نی را به دهن گرفته و دو سه نفس کشید، بار دیگر حکیم‌علی به مخالفت پرداخت و موفق شد شاه را از این عمل بازدارد. به دنبال این امر، اکبرشاه نی قلیان را به خان اعظم داد و او هم به تعارف شاه جواب مثبت داد و چند نفس کشیدند. اسدیگ در ادامه، مباحثه خودش و چند نفر از درباریان بر سر منافع و مفرات کشیدن تنباکو را بیان داشته است. این بحث زمانی آغاز شد که شاه از پزشکی دیگر خواست که دربارهٔ خاصیت تنباکو اظهار نظر کند. این پزشک ضمن اشاره به مطرح شدن تنباکو در روزگار اخیر اظهار داشت:

دربارهٔ این موضوع، مطلبی در کتاب‌های حکمت ندیده است؛ با این حال، حکمای فرنگ از خواص بسیار آن سخن گفته‌اند. (همان: ۹۱)

این پاسخ دوپهلوی با واکنش حکیم‌علی‌گیلانی روبه رو شد. حکیم‌علی تنباکو را دارویی نآزموده خواند که بیشتر مورد توجه حکما قرار نگرفته است. حکیم‌علی‌گیلانی در ادامه سخنان خود، با استناد به نامعلومی «حقیقت» و ماهیت تنباکو، تجویز مصرف تنباکو به شاه را خطا و سزاوار بازخواست دانست. (همان)

اسدیگ در واکنش به برخورد تند حکیم‌علی‌گیلانی، به دفاع از اقدام خود پرداخت. در این راستا، بیش از بیان دلایل قانع‌کننده برای مصرف تنباکو، شیفتگی و خوش‌بینی خود به علم فرنگی‌ها و صداقت آنها را آشکار ساخت. اسدیگ با اشاره به حضور افراد دانا در بین فرنگی‌ها ادعا کرد (همان) که فرنگی‌ها کمتر خطا می‌کنند و از روی ناهمیدگی سراغ چیزی نمی‌روند. او گرایش مردم فرنگ به تنباکو را عملی صحیح و متأثر از تجربه آنها دانست. اسدیگ که ظاهراً تجربه و دانش شرقی‌ها را دست کم گرفته بود، اظهار داشت که نمی‌توان پذیرفت که فرنگی‌ها بدون تحقیق و بررسی به مصرف تنباکو پرداخته باشند. به نظر او، غربی‌ها بعد از آن که به گنه و حقیقت تنباکو و نفع و ضرر آن پی بردند، مصرف آن را به حکام، پادشاهان و دیگر مردمان توصیه کردند.

حکیم‌علی که از استدلال‌های اسدیگ قانع نشده بود، اظهار داشت که چه ضرورتی دارد به تقلید کورانه از اهل فرنگ پرداخته شود. او بی‌اعتنایی به دانش و تجربهٔ دانایان خودی و دنباله‌روی از غرب را امری مضموم و نادرست دانست. (همان) اسدیگ که اعتبار و حیثیت خود را در خطر دید، بار دیگر پا به میدان مباحثه نهاد و مجدداً به دفاع از اقدام خود

در تقدیم تنباکو پرداخت. او برابر استدلال حکیم علی که شایع نبودن تنباکو در بین خودی‌ها را دلیل ضرر آن عنوان کرد گفت:

عجب چیز است که اوضاع دنیا حادث است و از زمان آدم تا این زمان همه چیز رفته‌رفته به هم رسیده. هر گاه چیز تازه در میان قومی سانح شود و در عالم شائع گردد و همه کس تتبع آن بنمایند، عقلا و حکما باید به نفع آن رسند و تجربه کنند. شاید منافع آن معلوم ایشان نباشند. چنان که چوب چینی که در قدیم نبود و به تازگی حادث شده و چندین امراض را نافع است. فی الواقع، به محض اینکه در کتب ما نیست، نمی‌توان منع امری که در میان اهل عالم شائع شده باشد نمود و کی از پیش می‌رود. (همان: ۹۲)

ظاهراً، استدلال آخر اسدیگ مورد توجه اکبرشاه قرار گرفته است. با ابراز خوشنودی شاه از سخنان اخیر اسدیگ و معقول دانستن آنها، حکیم علی و برخی از درباریان به سکوت واداشته شدند. به این ترتیب، مداخله شاه در مباحثه اسدیگ قزوینی و حکیم علی گیلانی، شرایط بحث درباره نفع و ضرر تنباکو را تغییر داد. در شرایط جدید، حکیم پادریه که از دیگر پزشکان دربار بود و به درخواست شاه به مباحثه کشیده شده بود، چاره‌ای ندید جز آنکه نظر احتمالی اکبرشاه را مد نظر قرار داده و به تأیید منافع فراوان تنباکو پردازد. (همان)

با طرف‌داری ضمنی اکبرشاه از اسدیگ، راه برای ادامه فعالیت او در ترویج تنباکو باز شد. اسدیگ که تعداد زیادی نی و تنباکو از بیجاپور آورده بود، مقداری از آنها را به بعضی از بزرگان هدیه کرد. مقداری از این نی و تنباکو نیز به درخواست خود افراد در اختیار آنها قرار گرفت. به مرور، فضا آن قدر مهیا شد که افراد زیادی با اسدیگ تماس گرفتند و متقاضی تنباکو شدند. ظاهراً خود اسدیگ قادر به تأمین همه این نیازها نبود، از این رو اظهار داشته (همان) که پس از مدتی تقاضا برای تنباکو آنقدر زیاد شد که تاجران آن را به شمال هند می‌آوردند و به قیمت بالا می‌فروختند. به این ترتیب، تنباکو در برخی مناطق شمال هند شایع شد. با این حال، اکبرشاه مجدداً از کشیدن تنباکو خودداری کرد. با وجود مدارای اکبرشاه با رواج تنباکو، خرید و فروش تنباکو آن قدر رواج نیافته بود که در ردیف کالاهای مشمول مالیات قرار گیرد. (Moreland, 1920, 158)

مواجهه جانشینان اکبرشاه با تنباکو

اسدیگ ضمن بیان شیوع مصرف تنباکو در شمال هند، زمان دقیقی برای ایفای نقش تجار در داد و ستد تنباکو در این منطقه ذکر نکرده است. اما، با در نظر گرفتن تاریخ تقریبی نگارش

رساله/سدیگ (۱۰۱۵ق/۱۶۰۶م) می‌توان حدس زد که رونق گرفتن خرید و فروش تنباکو در شمال هند، در اواخر حکومت اکبرشاه و اوایل حکومت جهانگیرشاه بود. به تبع گرایش روزافزون مردم هند به مصرف تنباکو، تلاش‌هایی نیز برای کشت گیاه تنباکو آغاز شد. با وجود نبود اطلاعات کافی درباره تاریخ کشت تنباکو در مناطق مختلف هند، گفته شده که برگ این گیاه در سال هشتم سلطنت جهانگیرشاه (۱۰۲۲ق/۱۶۱۳م) در ایالت گجرات کشت شد. این موفقیت در حالی کسب شد که هنوز هندی‌ها، درباره بارآوردن تنباکو و اجرای روند آماده‌سازی برگ تنباکو برای مصرف، تجربه لازم و کافی را کسب نکرده بودند. (Moreland, 1920, 158)

یکی از نکات مهم درباره رواج تنباکو در قلمرو بابرین، صدور فرمان ممنوعیت مصرف تنباکو در نیمه نخست سلطنت جهانگیرشاه است. جهانگیر ضمن شرح وقایع سال دوازدهم سلطنتش (۱۰۲۶ق/۱۶۱۷م) روایت می‌کند: «به واسطه فساد تنباکو در اکثر مزاج‌ها و طبع‌ها، فرموده بودم که هیچکس متوجه خوردن آن نشود.» (جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۹: ۲۱۱) به نوشته جهانگیر، پیش‌تر شاه عباس اول صفوی نیز به ضرر تنباکو پی برده و مصرف آن در ایران را ممنوع کرده بود.

با وجود صدور فرمان ممنوعیت مصرف تنباکو، روند رواج تنباکو در شمال هند همچون بسیاری از مناطق دیگر جهان ادامه یافت و شمار قابل توجهی از مسلمانان، هندوها و زرتشتی‌های این سرزمین به استفاده از قلیان و مصرف تنباکو ادامه دادند. (Hunter, 1907, 262-263) در بین افرادی که فرمان جهانگیرشاه را نقض کردند، برخی از درباریان و منصب‌داران او نیز قرار داشتند. برای نمونه، در سال ۱۰۲۶ق/۱۶۱۷م، خان‌عالم که به‌عنوان سفیر ویژه جهانگیرشاه به دربار شاه‌عباس صفوی (حک: ۹۷۸-۱۰۳۸ق/۱۵۷۱-۱۶۲۹م) اعزام شد، آن‌قدر به تنباکو معتاد بود که دائماً به کشیدن آن اشتغال داشت. اعتیاد این سفیر به تنباکو به قدری زیاد بود که شاه‌عباس ناچار شد که او را از رعایت فرمان ممنوعیت مصرف تنباکو معاف کند. (جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۹: ۲۱۱؛ Matthee, 2005, 119) روایت شده که شاه‌عباس در پاسخ به درخواست سفیر جهانگیرشاه برای مجازدانستن او به مصرف تنباکو، این بیت را برای او ارسال کرد:

رسول یار می خواهد کند اظهار تنباکو من از شمع وفا روشن کنم بازار تنباکو

خان‌عالم نیز با سرودن بیت زیر به تشکر از لطف شاه صفوی پرداخت:

من بیچاره عاجز بودم از اظهار تنباکو ز لطف شاه عادل گرم شد بازار تنباکو

(جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۹: ۲۱۱)

فرمان شاه عباس صفوی در ممنوعیت مصرف تنباکو به جایی نرسید و بعد از سه دهه، دستفروشان و خرازی‌های اصفهان و دیگر شهرها به عرضه آزادانه آن پرداختند و کشاورزان برخی مناطق ایران به کشت آن روی آوردند و افراد زیادی قلیان‌کش و چپق‌دار شدند (الٹاریوس، ۱۳۶۳: ۲۷۳ - ۲۷۴)، فرمان جهانگیرشاه نیز فقط بر روی کاغذ معتبر ماند و نتیجه‌ای دربر نداشت، حتی گفته شد که قلیان‌کشیدن در بین زنان دربار جهانگیرشاه نیز رواج یافت. (Findly, 2005, 115) از عوامل احتمالی که زمینه‌نا دیده‌گرفتن فرمان جهانگیرشاه در ممنوعیت مصرف تنباکو را مهیا ساخت، اعتیاد شاه به خوردن افیون (تریاک) و موافقت گاه‌به‌گاه او با خوردن کوکنار و مصرف انواع «مکفیات و افیونیات» در جشن‌ها و مجالس دربار بود. (جهانگیرگورکانی، ۱۳۵۹: ۹۶ - ۹۷، ۲۱۹، ۲۶۱؛ لاهوری، ۱۳۸۵: ۱۲) حتی گفت‌وگو درباره کیفیت و خواص موادی چون کوکنار و افیون، به یکی از موضوعات مجالس شب‌نشینی جهانگیرشاه با برخی از شخصیت‌های درباری و حکومتی تبدیل شد. (لاهوری، ۱۳۸۵: ۱۲، ۲۵، ۲۰۹)

افزایش حضور پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها و دیگر فرنگی‌ها در اقیانوس هند و بنادر و سواحل شبه‌قاره هند در عهد سلطنت جهانگیرشاه نسبت به حکومت اکبرشاه، عامل مهم دیگری بود که در ناکارآمدسازی فرمان جهانگیرشاه و حفظ روند رواج تنباکو اثر داشت. (نهاوندی، ۱۹۲۵: ج ۲/۵۹۲؛ پیتر و دلاواله، ۱۳۸۰: ج ۲/۱۳۶۲ - ۱۳۸۳ و صفحات دیگر) تلاش مستمر و جدی اروپاییان برای توسعه نفوذ تجاری، نظامی و مذهبی در منطقه دکن و پیرامون قلمرو حکومت‌های همسایه بابرین (عادلشاهیان، نظامشاهیان و قطبشاهیان) مستقیم و غیرمستقیم بستر ورود محصول و بذر تنباکو را به قلمرو جهانگیرشاه هموارتر ساخت. فاصله چندانی بین رواج مصرف تنباکو با رونق تجارت و کشت تنباکو نبوده است. (Vincent, 1917, 409) به‌نوشته ادوارد تری (Edward Terry)، یکی از سیاحان اروپایی، در فاصله سال‌های ۱۰۲۵ - ۱۰۲۸ ق/۱۶۱۶ - ۱۶۱۹ م در برخی مناطق بندر سورت و آگرا، عده‌ای به کشت تنباکو پرداختند. این سیاح اشاره می‌کند که کشاورزان این دو شهر نسبت به کشاورزان غرب هند، دانش و تجربه کافی درباره شیوه بهینه کشت تنباکو نداشتند. (Early Travels in India, 1921, 299)

از سیاست و عکس‌العمل شاهجهان درباره مصرف تنباکو اطلاعی در دست نیست. با این حال، به نظر می‌رسد که طی حکومت او (حک: ۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ ق/۱۶۲۸ - ۱۶۵۸ م) روند افزایش مصرف تنباکو در هند و ارتقاء جایگاه آن در عرصه تجارت و اقتصاد این کشور ادامه

یافت. در اوایل حکومت شاهجهان، اروپاییانی که در برخی بنادر ساحلی هند مستقر بودند، بر تلاش خود برای انحصار تجارت تنباکو در منطقه تحت نفوذشان افزودند. برای نمونه، پرتغالی‌هایی که از مدت‌ها پیش در بندر هوگلی صاحب نیرو و استحکامات بودند، پیش از شکست برابر سپاهیان شاهجهان در سال ۱۰۶۱ق/۱۶۳۲م (آشنا، ۲۰۰۹: ۱۳۸-۱۳۹)، مقررات خاصی برای دادوستد تنباکو وضع کردند. آنها برای فروشندگان تنباکو مجوزهای خاصی صادر می‌کردند. مسافرانی که از پیرامون بندر هوگلی عبور می‌کردند، بازرسی می‌شدند و تنها اجازه داشتند که به اندازه مصرف خودشان تنباکو حمل کنند. (Huntern, 1907, 276)

در وقایع‌نگاری مورخان تیموری پیرامون جنگ شاهجهان با تاجران فرنگی مستقر در بندر هوگلی و واداشتن آنها به ترک منطقه، اشاره‌ای به نگرانی شاهجهان از تلاش این بازرگانان برای توسعه تجارت تنباکو نشده است. در مقابل، این اقدام نظامی به دلایلی چون ایجاد استحکامات نظامی فرنگی‌ها، بدرفتاری آنها با مردم منطقه و تلاش برای ترویج مسیحیت نسبت داده شده است. (آشنا، ۲۰۰۹: ۱۳۹-۱۳۸) سکوت وقایع‌نگاران شاهجهان درباره تلاش بازرگانان فرنگی برای ترویج تنباکو، می‌تواند بیانگر نبود سخت‌گیری شاهجهان نسبت به رواج تنباکو تلقی شود. در اواخر سلطنت شاهجهان، در ولایت گلکنده دکن، کشت تنباکو آن‌قدر گسترش یافته بود که مالیات تنباکو از درآمدهای مهم حکام آنجا، قطبشاهیان (حک: ۹۱۸-۱۰۹۸ق/۱۵۱۲-۱۶۸۷م) بود. (Jadunath Sarkar, 1912, V.1, 212) و این امر بر رواج تنباکو در قلمرو شاهجهان تأثیر گذاشت.

در سال‌های نخست سلطنت عالمگیر، پسر و جانشین شاهجهان (حک: ۱۰۶۸-۱۱۱۸ق/۱۶۵۸-۱۷۰۶م)، مالیات تنباکو از جمله درآمدهای حکومت بود. این مالیات در ۱۰۷۶ق/۱۶۶۵م به فرمان عالمگیرشاه لغو شد. (Jadunath Sarkar, 1920, 122) لغو این مالیات گامی در راستای کاهش قیمت تنباکو و تسهیل در دسترسی گروه‌های متوسط و کم درآمد جامعه به این ماده بود. برخی محققان (Chopra, 1975, 42-43) برآنند که در زمان شاهجهان و عالمگیر تنباکو در بین مردم عادی هند رواج شایان توجهی یافت. واقعه دیگری که درباره تنباکو در جامعه هند در زمان سلطنت عالمگیر روی داد، تحریم استفاده از تنباکو از سوی رهبران مذهبی فرقه سیک در ۱۱۰۲ق/۱۶۹۰م بود. (Irvine, 1971, v.1, 81)

از وضعیت مصرف تنباکو در عهد جانشینان عالمگیر، اطلاعات زیادی در دست نیست. با این حال، به نظر می‌رسد در پی تشدید اختلافات داخلی تیموریان - که به ضعف آنها و افزایش دامنه نفوذ انگلستان و دیگر اروپاییان انجامید - تکاپوی فرنگی‌ها در عرصه تجارت تنباکو در

هند افزایش یافت. رقابت شدید کمپانی هندشرقی انگلستان با فرانسوی‌ها بر سر کسب امتیاز انحصار تجارت تنباکو در قرن ۱۲ق/۱۸م (Comynlyall, 1907, 112) شاهدهی بر ادعای مذکور است. شاهد دیگر شعلی به نام «فروشنده تنباکو» در هند بود که بیانگر افزایش مصرف تنباکو در بین مردم آن که در سال‌های ۱۱۲۲-۱۱۲۸ق/۱۷۱۰-۱۷۱۶م است و تعداد زیادی از هندی‌ها نیز به خرید و فروش این کالا مشغول بودند. (Irvine, 1971, v.1, 116,324) افزون بر این، وصف تنباکو در متون شعر و ادب فارسی و اردو راه یافته است. برای نمونه، جعفر نازنولی، متخلص به «زتلی» (۱۰۶۵-۱۱۲۵ق/۱۶۵۳-۱۷۱۳م) از شاعران دوره سلطنت محمد فرخ سیر (حک: ۱۱۲۴-۱۱۳۱ق/۱۷۱۲-۱۷۱۹م)، در ستایش تنباکو و نقش آن در شادسازی زندگی برخی از مردم آن روزگار این ابیات را سروده است:

طرفه شاغلی شاغل تمباکو که زین شاغل غم فرو گردد
همدم است این به وقت تنهایی طبع بد از او نیکو گردد

(Irvine, 1971, v.1, 403)

بارزترین جلوه مصرف تنباکو در قلمرو بابرین، گسترش تمایل به کشیدن قلیان در بین نجبا و بسیاری از مردم عادی بود و «قلیان‌کشی» در زمره سرگرمی‌ها و تفریحات مردم قرار گرفت. در اواخر قرن ۱۲ق/۱۸م و اوایل قرن ۱۳ق/۱۹م، شمار زیادی از زنان نجبا و شخصیت‌های مقتدر و ثروتمند هندی به قلیان کشیدن روی آوردند. برخی از این خانواده‌های ثروتمند برای آماده‌سازی منظم قلیان، خدمتکاری به نام «قلیان بردار/ حقه‌بردار» داشتند. در این شرایط، آوردن قلیان برای مهمانان بسیار محترم و مورد علاقه صاحب‌خانه، وظیفه‌ای معمول و جاافتاده برای زن خانه و نشانه‌ی اهتمام او در احترام گذاشتن به مهمان بود. نکته‌ی دیگر درباره‌ی شکل‌گیری آداب قلیان‌کشی آن بود که جوان‌ترها رعایت ادب و احترام را مدنظر قرار داده و از کشیدن قلیان مقابل چشم بزرگترها، و بزرگان نیز از کشیدن قلیان برابر شاهان و نواب‌ها خودداری می‌کردند. افزون بر این‌ها، در مجالس و جشن‌ها سنت تعارف محترمانه قلیان به افراد هم‌سن و هم‌شان و الزام اخلاقی آنان به پذیرش این تعارف مورد توجه قرار گرفت. (Nathe, 2005, 125)

به موازات گسترش دامنه مصرف تنباکو در بین اقشار مختلف هندی، روند رو به رشد وسعت مزارع تنباکو در هند تداوم یافت. به دلیل نبود آمار و اطلاعات دقیق از وسعت مزارع تنباکو در اواخر حکومت تیموریان، به‌ناچار باید برای روشن‌سازی بخشی از موضوع مورد اشاره، به آمار و اطلاعات گردآوری شده از سوی حکام انگلیسی هند رجوع شود.

مساحت زمین‌های زیر کشت تنباکو در سال‌های ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ق/۱۸۹۹ - ۱۹۰۰م حدود ۱۷۰۰ مایل مربع بود که بخش قابل توجهی از این مزارع تنباکو، در ایالت‌های بنگال، مدراس، بمبئی، برمه و پنجاب قرار داشتند. (Vincent, 1917, 409-410)

نتیجه‌گیری

رواج تنباکو در شماری از کشورهای جهان، در پیوند با اکتشافات جغرافیایی و تشکیل امپراتوری‌های استعماری بود. این ماده گیاهی و بومی قاره آمریکا در قرن ۱۰ق/۱۶م به اروپا و سپس به آفریقا و آسیا شناسانده شد. فاصله زمانی بین تلاش اروپائیان در شناساندن تنباکوی آمریکائی به مردم اروپا، آفریقا و آسیا تا اقدام برای کشت بذر تنباکو در این قاره‌ها طولانی نبود. به دنبال قرارگیری تنباکو در شمار کالاهای پرسود تجاری، استعمارگران اروپایی به فکر توسعه بازار خرید و فروش آن در کشورهای مختلف آسیایی و آفریقایی افتادند. عکس‌العمل و واکنش حکام هند و برخی کشورهای آسیایی برابر ورود تنباکو به قلمروشان کافی و ثمربخش نبود. یکی از دلایل ناتوانی بعضی از این حکام در اتخاذ سیاست کارآمد و منطقی برابر ورود این ماده، نبود اطلاعات کافی در باره سود و زیان این ماده بود. دلیل دیگر ناکامی این حکام و به جریان افتادن روند تدریجی مصرف و کاشت تنباکو در هند و دیگر کشورهای آسیایی، به منفعت‌طلبی برخی از شخصیت‌های حکومتی و تاجران داخلی و خارجی (اروپایی) مربوط می‌شود. عامل دیگر، ناتوانی سلاطین آسیایی در اتخاذ سیاست اصولی و ثمربخش درباره تنباکو، سلطه استعمارگران اروپایی بر تجارت بین‌المللی تنباکو و تلفیق انگیزه‌های تجاری اروپائیان با سیاست‌های ایجاد مستعمرات بود که منجر به افزایش قابل توجه مصرف تنباکو و کاشت آن شد.

ابتدا پرتغالی‌ها تنباکو را به ناحیه دکن و جنوب هند آوردند. با این حال، نخستین اقدام جدی برای ترویج مصرف تنباکو در قلمرو تیموریان هند، در اواخر حکومت اکبرشاه و از سوی یکی از درباریان ایرانی او انجام شد. اکبرشاه که اطلاعات کافی درباره ضرر و زیان تنباکو نداشت، با اتخاذ موضع بی‌تفاوتی، به شروع روند ترویج مصرف تنباکو در قلمرو خود یاری رساند. جهانگیرشاه که خود به کوکنار و افیون معتاد بود، گمان می‌کرد با صدور فرمانی حکومتی، می‌تواند مانع رشد مصرف تنباکو در هند شود. به زودی مشخص شد که برخی از مأموران جهانگیرشاه نیز نمی‌توانند از تمایل خود برای مصرف تنباکو چشم‌پوشی کنند. روند رو به رشد گرایش مردم ساکن قلمرو بابرین به استفاده از تنباکو، در کنار تشدید

اقدامات تجار اروپایی برای وارد کردن این ماده به شبه قاره هند، در زمان جانشینان جهانگیرشاه برقرار ماند. آنچه به تداوم این روند مدد رساند، توسعه تدریجی قلمرو حکومت تیموریان به سمت جنوب، به ویژه در عهد عالمگیرشاه بود. در پی گسترش قلمرو، تعداد بیشتری از بنادر و محدوده وسیع تری از سواحل جنوب هند در زمره قلمرو این سلسله قرار گرفتند. به این ترتیب، گام بزرگی در جهت تسهیل دسترسی مردم به تنباکوی وارداتی و نیز تنباکوی تولید شده در جنوب هند برداشته شد. به موازات ترویج روزافزون مصرف تنباکو، کشت بذر تنباکو در مناطق تحت حاکمیت بابرین نیز مورد توجه قرار گرفت. افزون بر این، به تدریج فرهنگ خاصی برای مصرف تنباکو و «قلیان کشی» در بین مردم ایجاد گردید.

پی نوشت

۱. برای آگاهی بیشتر در باره تاریخچه رواج تنباکو در جهان، نک: Moore, E. L. (1982), «Tobacco», *The Encyclopedia Americana*, Danbury, vol. 26, 800-801; Moore, E. L. (1982). «Tobacco», *The New Encyclopedia Britannica*, London, vol. 11, 812
۲. در تدوین این مقاله، از میکروفیلم نسخه موجود در دانشگاه اسلامی علیگره هند استفاده شد. این میکروفیلم، با شماره ۷۷/۲ در «مرکز میکروفیلم نور» واقع در خانه فرهنگ ایران در شهر دهلی نو نگهداری می شود، فهرست میکروفیلم دانشگاه اسلامی علیگره هند (۱۳۷۸): ج ۱/۲۰۴.
۳. منصب داری نوعی سیستم اداری بود که میزان حقوق کارکنان اداری، مالی و نظامی، از طریق اعطای منصب نظامی مشخص می شد.

منابع

- آشنا، میرزا محمد طاهرخان (مخاطب به عنایت خان) (۲۰۰۹). *ملخص شاهجهان نامه*، تصحیح جمیل الرحمن، دهلی: خانه فرهنگ ایران.
- آفتاب اصغر (۱۳۶۴). *تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان (تیموریان بزرگ)*، لاهور: خانه فرهنگ ایران.
- التاریوس، آدام (۱۳۶۳). *سفرنامه آدام التاریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- اسدیگ قزوینی (بی تا؛ استنساخ شده در ۱۳۱۹هـ). *تاریخ اسدیگ*، نسخه خطی دانشگاه اسلامی علیگره: میکروفیلم شماره ۷۷/۲، مرکز میکروفیلم نور: واقع در خانه فرهنگ ایران در دهلی نو.
- اوحدی دقایی بلینی، تقی الدین محمد (۱۳۸۸). *تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.

- بدائونی، عبدالقادرین ملوک شاه (۱۳۷۹). *منتخب التواریخ*، ج ۳، تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- برزگر کشتلی، حسین (۱۳۷۵). «اسدیگ قزوینی»، *دانشنامه ادب فارسی*، ج ۴ (ادب فارسی در شبه قاره، هند، پاکستان، بنگلادش)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جهانگیر گورکانی، نورالدین محمد (۱۳۵۹). *جهانگیرنامه*، تصحیح محمد هاشم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حارثی، محمدبن رستم (۲۰۰۳م). *تاریخ محمدی*، تصحیح نثار احمد فاروقی، جلد ۲، قسمت ۵، رامپور: کتابخانه رضا.
- دلواله، پیتر (۱۳۸۰). *سفرنامه پیتر دلواله*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: قطره.
- علامی، شیخ ابوالفضل (۸۸۶ق). *اکبرنامه*، تصحیح مولوی آغا احمدعلی و مولوی عبدالرحیم، کلکته: انجمن آسیایی بنگال.
- فهرست میکروفیلم نسخه های خطی فارسی و عربی (۱۳۷۸). به کوشش مهدی خواجه پیری، ج ۱، دهلی: مرکز میکروفیلم نور.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹). *کاروان هند*، ج ۱، مشهد: آستان قدس رضوی.
- لاهوری، عبدالستاربن قاسم (۱۳۸۵). *مجالس جهانگیری*، تصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی، تهران: میراث مکتوب.
- محمد پادشاه متخلص به شاد (۱۳۶۳). *فرهنگ جامع فارسی*، تهران: خیام.
- نذیر احمد و محمد اقبال مجددی (۱۳۸۴). «اسدیگ قزوینی»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره*، ج ۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نهادندی، عبدالباقی (۱۹۲۵م). *مآثر رحیمی*، تصحیح محمد هدایت حسین، کلکته: انجمن آسیایی بنگاله.

Chopra, P.N (1975). *Life and Letters under the Mughals*, Delhi.

Foster, William (1921). *Early Travels in India 1583-1619*.

Findly, Ellison Banks (2005). *NurJahan Empress of Mughal India*, Delhi: Oxford University Press.

Jadunath Sarkar (1920). *Mughal Administration*, Calcutta.

Jadunath Sarkar (1912). *History of Aurangzib*, Calcutta.

Huntern, Wilian Wilson (1907). «The European Struggle for Indian Supremacy in the seventeenth century», *History of India*, vol.7, Ed. A.V. William Jackson, London.

Huntern, Wilian Wilson (1907). «From the first European Settlements to the founding of the English East India Company», *History of India*; vol.6, London :A.V. William Jackson, London.

Irvine, William (1971). *after Mughals*, Ed. Jadunath Sarkar, Calcutta: M.C.Sarkar and sons.

Lyall, Alfred Comyn (1907). «From the close of the Seventeenth Century to the present time », *History of India*; vol.8, Ed. A.V. William Jackson, London.

Mathee, Rudi (2005). *The Pursuit of Pleasure (Drugs and Stimulants in Iranian History (1500-1900))*, Princeton: Princeton University Press.

Moore, E. L (1984). «Tobacco», *The Encyclopedia Americana*, Danbury: Grolier Incorporated.

- Moreland W. H, (1920). *India at the Death of Akbar, An Economic Study*, London.
- Nath. R. (2008), *Private Life of the Mughals of India*, Delhi: Rupa.
- Prasad, Ishwari (1931). *A Short History of Muslim Rule in India, from the conquest of Islam to the death of Auranzeb*, Allahabad: The Indian Press.
- Rieu, Charles (1966). «*The Persian Manuscripts in British Museum*», Vol.III, Oxford: British Museum.
- Moore, E. L (1977). «Tobacco», *The New Encyclopedia Britannica*, Chicago: University of Chicago.
- Vincent, A. Smith (1917). *Akbar the Great Mogul 1542-1605*, London: Oxford University Press.